

فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۴، شماره ۳ (پیاپی ۴۸)، پاییز ۱۳۹۸
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۵X-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>

مقاله پژوهشی
صص. ۵۸۳-۵۶۷

تحلیل ارتباط مشارکت روستایی و فقر سیاسی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان سراوان، شهرستان رشت)

مجید یاسوری* - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
سیده فاطمه امامی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین مشارکت روستایی و وضعیت فقر سیاسی در سطح دهستان سراوان واقع در شهرستان رشت در استان گیلان می‌باشد. متغیرهای پیش‌بین تحقیق را مشارکت (در ابعاد متفاوت اجتماعی، سیاسی و خدماتی کالبدی)، شیوه نگرش به مشارکت و شیوه عمل به مشارکت و متغیر ملاک را فقر سیاسی تشکیل می‌دهد. نوع تحقیق به صورت کاربردی - توسعه‌ای است و روش مطالعه اسنادی، تحلیلی و پیمایشی است. جهت تکمیل اطلاعات موجود از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. در روش تحلیلی با توجه به فرضیه ارائه شده به معرفی هر یک از مؤلفه‌های مورد نظر اقدام شده است. بر این اساس هر مؤلفه با چند معرف به شناسایی میزان مشارکت افراد و نقش آن در توسعه روستایی می‌پردازد سپس به بررسی مؤلفه فقر در ابعاد سیاسی با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق کل خانوار روستایی دهستان سراوان است، با استفاده از جدول مورگان تعداد ۳۷۰ نمونه انتخاب گردید. نتایج تحقیق حاکی از این موضوع است که بین فقر سیاسی و میزان مشارکت رابطه وجود دارد. بدین معنی که به ازای افزایش هر واحد در مشارکت به میزان $0.728+$ واحد نیز در ابعاد سیاسی فقر کاهش پیدا می‌کند. به عبارتی با افزایش هر یک از شاخص‌های مشارکت، شیوه عمل به مشارکت و نحوه نگرش نسبت به مشارکت در بعد سیاسی فقر کاهش پیدا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: مشارکت روستایی، فقر سیاسی، دهستان سراوان، استان گیلان، رگرسیون چندگانه

نحوه استناد به مقاله:

یاسوری، مجید، امامی، سیده فاطمه. (۱۳۹۸). تحلیل ارتباط مشارکت روستایی و فقر سیاسی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان سراوان، شهرستان رشت). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۴(۳)، ۵۶۷-۵۸۳. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_669616.html

مقدمه

جوامع بشری در مسیر رشد و تعالی خود و برای نیل به توسعه فراز و نشیب‌های بسیاری را طی کرده و مسیرهای زیادی را پیموده‌اند و در این حوزه، آرمان اصلی فراهم کردن شرایط مطلوب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... برای تک‌تک اعضای جامعه بوده است. اصولاً یکی از مهم‌ترین مسائل کشورها در دوره‌های مختلف، بررسی شیوه‌های بهبود و پیشرفت و در مجموع توسعه مناطق روستایی است، و بر این اساس توسعه روستایی نیز به عنوان یکی از زیرشاخه‌های توسعه و بلکه مهم‌ترین آن‌ها «فرآیندی چندبعدی است که موضوع آن بهبود، ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر اجتماع روستایی است» (Azkia, 2005: 37). علاوه بر این، «مشارکت مردم» شرط اساسی عملی است که بخشی از جنبه عملیاتی توسعه را تشکیل می‌دهد. نظریه توسعه، با توجه به هدف و محتوا، اهمیت مشارکت را در همه سطوح، از مرحله تعیین‌کننده شناسایی نیازها گرفته تا مرحله نهایی ارزیابی و اجرای برنامه، و همچنین مراحل میانی تصمیم‌گیری در خصوص تعیین هدف‌ها، کاربرد منابع و مدیریت عملیات نشان می‌دهد (Kauteri, 2000: 3). مشارکت با توجه به نقش‌پذیری و ایفای نقش ساکنین روستایی در برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی و عمرانی برای دستیابی به اهداف جمعی بویژه در مناطق روستایی از اهمیت بسیاری برخوردار است. پژوهش پیرامون مشارکت بطور گسترده از زمانی آغاز شد که اهل پژوهش به مطالعه توسعه و علل و آثار دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پرداختند. بدین ترتیب مفهوم و موضوع مشارکت جزء لاینفک تئوری‌های توسعه گردید. مفهوم مشارکت نیز مانند توسعه مفهومی مبهم و چند پهلو است که تفسیر و برداشت‌های مختلفی از آن وجود دارد، اما بطور کلی مشارکت را می‌توان روند درگیر ساختن مردم در تعیین سرنوشت خود و احساس مسئولیت نسبت به این سرنوشت تعریف نمود (Mohammadi, 2001: 8). مشارکت گروهی از نگرش‌ها، روش‌ها و رفتارهاست که مردم را برای بحث و بررسی واقعیت‌های زندگی و شرایطشان قادر می‌سازد تا برای خود برنامه‌ریزی کنند و اینکه چه فعالیت‌هایی انجام دهند و نتایج آن را مشاهده و ارزیابی کنند (Chambers and Blackburn, 1996: 1).

اوکلی و مارسدن در کتاب رهیافت‌های مشارکت روستایی، مشارکت را فرایندی از مداخله اجتماعی خلاق به وسیله افرادی که به تعیین و برآورده ساختن نیازهای خود علاقه‌مندند و آن را نه یک سهیم شدن انفعالی در فعالیت‌های طراحی شده توسط دیگران و صرفاً بهره‌برداری از ثمرات فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، بلکه نوعی پیشقدم شدن در تصمیم‌گیری راجع به کار با چگونگی انجام کار دانسته‌اند (Oakley, P, Marsden, 1991: 7). مشارکت بعنوان کلیدی‌ترین عنصر در دستیابی به اهداف عمرانی و توسعه روستایی از اهمیت خاصی برخوردار است. چون افراد بطور ارادی و آگاهانه و با میل و رضایت خود و بدون هیچگونه اجبار در برنامه‌ها یا پروژه‌های عمرانی شرکت می‌کنند و این همکاری از مرحله‌ی تصمیم‌گیری تا اجرا، نظارت و ارزشیابی برنامه‌ها تداوم دارد، موجب می‌شود مردم با سرعت بیشتری در به ثمر رساندن اقدامات کوشش کنند، آن اقدامات را برای خود بدانند و از آنها مراقبت و محافظت کنند و در صورت استهلاک تا تخریب، خود مجدداً در پی ساخت آن برآیند (Ebrahimzadeh, 1998: 41). امروزه تاثیر و اهمیت نقش موثر مردم و مشارکت آنها در حرکت به سمت توسعه پایدار روستایی بر کسی پوشیده نیست و اگر می‌خواهیم به سمت توسعه‌ای پویا و پایدار حرکت کنیم و توسعه برای مردم امروز و نسل‌های آینده باشد باید خود مردم از دسترسی به فواید توسعه احساس رضایت کنند (Hamed Moghaddam, 1991: 10). چرا که مشارکت علاوه بر بوجود آوردن آثار مثبت در جامعه، روحیه همکاری دسته جمعی، رشد استعدادها و خلاقیتها، احساس مسئولیت‌پذیری و متعهد بودن را افزایش می‌دهد و پایداری جامعه را محقق می‌سازد. مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و بصورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (Mohseni Tabrizi, 1998: 20).

حال یک مورد بسیار مهم در میان روستاییان وضعیت فقر سیاسی روستاییان است. فقیران روستایی بیشتر در مناطقی زندگی می‌کنند که نه تنها از نهادهای توسعه و خدمات فاصله زیادی دارند بلکه از مشارکت در تصمیم‌گیری سیاسی نیز محرومند. آنان از لحاظ ارتباطات جمعی کمبود دارند و از بیسوادی که موجب دست نیافتن به اطلاعات ودوری از فرایندهای سیاسی می‌شود رنج می‌برند. یکی از جنبه‌های بسیار مهم فقر سیاسی مسئله امنیت است. مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است امنیت در مورد افراد به این معناست که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته باشند و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنها را تهدید نکند. امنیت شرایطی است که در چارچوب آن

فرد در مقابل خطرات، تهدیدات و زیان های ناشی از زندگی اجتماعی، مورد حمایت جمع (جامعه) قرار می گیرد. در سایه نبود امنیت، رضایتمندی از زندگی کاهش می یابد که حاصل آن از میان رفتن نشاط و شادابی و جایگزینی یأس و افسردگی فردی و اجتماعی است. احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می شود. در واقع، زمانی که فرد احساس کند در جامعه و تعاملات اجتماعی، جان، مال یا سلامتی وی را خطری مورد تهدید و تعرض قرار نمی دهد، می توان گفت فرد دارای احساس امنیت است. این احساس امنیت از طریق اعتماد به ارگان های تأمین کننده امنیت، دولت، مدرسه، نظام اقتصادی، خانواده، شبکه دوستان، بسیج و... تأمین می شود. بنابراین، درجه اعتماد ورزی فرد به دیگران، مشخصه مناسبی برای تعیین درجه احساس امنیت وی تلقی می شود. یک موضوع مهم دیگر در امر فقر سیاسی و مشارکت بحث روابط همسایگی است. "وبر" همسایگی را عبارت از روابط متقابل اجتماعی مبتنی بر مساعدت های متقابل در وضعیت های مختلف اضطراری و بحرانی می داند. چارلز کولی همسایگی را به عنوان یک گروه نخستین می داند که روابطی صمیمانه، عمیق و مبتنی بر منفعت جمعی بر آن حاکم است. دیویس و هربرت (۱۹۹۳) همسایگی را دارای سه بعد فضایی (قلمرو جغرافیایی)، عاطفی (دلبستگی اجتماعی) و بعد اجتماعی (روابط و مبادلات اجتماعی) می دانند. مورد بعدی که بسیار مهم است در امر فقر سیاسی باید به آن توجه نمود بحث تصمیم گیری روستاییان است. در واقع با نگاهی به تلاش های گذشته و بررسی الگوهای حاکم بر مقابله با فقر روستایی نشان می دهند که این تلاش ها بیشتر به مداخله های بیرونی پرداخته و کمتر به فقرای روستایی به عنوان تصمیم گیر یا عاملانی بانگیزه و توانا برای بهبود اوضاع خود توجه کرده اند. تاکنون در اغلب کشورهای در حال توسعه، برنامه های غیرمشارکتی و از بالا به پایین و برنامه ریزی های کلان اقتصادی از اعتبار برنامه ریزی ناحیه ای کاسته و حاصل آن در حاشیه قرار گرفتن روستاییان به ویژه فقرا از سهم شدن در منافع توسعه بوده است (Gharee Arraei, 2014: 469). هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ی بین مشارکت روستایی در دهستان سراوان واقع در شهرستان رشت با فقر سیاسی در سطح روستا می باشد. با توجه به اهمیتی که مشارکت در توسعه روستایی می تواند داشته باشد، سؤال پژوهش حاضر این است که آیا رابطه ای بین مشارکت و فقر سیاسی در سطح دهستان وجود دارد؟

بر این اساس فرضیه تحقیق عبارت است از:

۱. بین مشارکت و فقر سیاسی رابطه وجود دارد.

امروزه تحقیقات بسیاری در جهت اهمیت مشارکت و فقر جهت نیل به توسعه روستایی توسط دانشمندان داخلی و خارجی صورت پذیرفته است که در ادامه به چند موارد از آن ها اشاره شده است اما تحقیق خاصی که تنها به جنبه مشارکت و فقر سیاسی بپردازد پیدا نشده است:

رییس دانا (۱۳۸۴) نیز فقر را نارسایی در تأمین نیازهای اجتماعی می داند. فقر اگرچه پدیده ی اقتصادی دانسته می شود، ابعاد مختلفی دارد. به همین دلیل ممکن است حتی کامل ترین شاخص ها نواقص اساسی داشته باشد. رییس دانا ابتدا به نارسایی کلی شاخص های اندازه گیری فقر انتقاد کرد، و سپس به بررسی دیدگاه های نهادگرا و ساختاری پویا پیرامون مساله ی فقر پرداخت. در ادامه نیز بر اساس پاره یی از انتقادهای مطرح شده و با استناد به نتایج مطالعات صورت گرفته خط فقر را برآورد نمود. بر اساس نتایج این بررسی ۴۶-۵۰ درصد از خانوارهای ایرانی در زیر خط فقر جای دارند. نتایج این مطالعه نشان دهنده ی کاهش درآمد واقعی، افزایش شکاف درآمدی، ناعادلانه تر شدن توزیع درآمد و سطح برخورداری از امکانات و خدمات اجتماعی است.

مطیعی لنگرودی و سخایی (۱۳۸۸) در مقاله ای تحت عنوان مشارکت مردمی و توسعه یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند به بررسی نقش مشارکت های مردمی در توسعه روستاهای دهستان سلگی شهرستان نهاوند پرداخت. نتایج تحقیق نشان دهنده وجود پتانسیل های و زمینه های مشارکت در توسعه روستایی، موانع و مشکلاتی در چهار دسته اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر سر راه مشارکت پویا و فعال وجود دارد، که رفع هر کدام از آن ها مستلزم به کارگیری راهکاری ویژه است.

شیخ حسنی و مهمان دوست (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان نقش مشارکت اجتماعی و اقتصادی روستاییان در طرح های عمران روستایی مطالعه ی موردی: دهستان نساء به بررسی نقش مشارکت اجتماعی و اقتصادی روستاییان در طرح های عمرانی روستایی از

1 - Davis & Herbert

2 - Raisi Dana, 2005

3 - Motiei Langroodi & Sakhai, 2009

4 - Sheikh Hassani & Mehman Doust, 2010

طریق مطالعات میدانی پرداخت که نتیجه حاکی از آن بود که آگاهی از اهمیت مشارکت و همچنین میزان مشارکت اهالی روستای نساء از اهالی روستای ولایتروود بیشتر بوده و بر همین مبنا رشد، توسعه و پیشرفت طرح‌های عمرانی روستای نساء از روستای ولایتروود پیشی گرفته است. این را می‌توان یکی از عوامل مهم توسعه بهتر طرح‌های عمرانی در روستای نساء دانست. طالب و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی (بررسی موردی: طرح‌های تجمیع مناطق روستایی) با توجه به راهبرد مشارکت در توسعه روستایی و نظریه‌های مربوط به توسعه روستایی مشارکتی، به تبیین و ارزیابی نقش مشارکت مردم در تجمیع مناطق روستایی پرداخته‌اند، نتایج مشخص گردیده است که مشارکت به معنای همکاری روستاییان در طرح‌های تهیه شده توسط دیگران نیست، بلکه مشارکت سطوح مختلفی دارد و مشارکت مطلوب، زمانی پدید می‌آید که روستاییان بتوانند در سطوح ذهنی، عینی، تصمیم‌گیری و اجرایی، دخالت داشته باشند. علاوه بر این، برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از توانایی‌های روستاییان، می‌تواند بستر مناسبی برای موفقیت طرح‌های تجمیع فراهم کند. قرنی آرائی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان بررسی نقش برنامه‌ریزی مشارکتی در کاهش فقر روستایی به روش کیفی (مطالعه موردی: روستای لزور) به بررسی نقش مشارکت روستاییان در کاهش فقر روستایی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که پایداری، اثربخشی و پوشش پروژه‌های مشارکتی در هدف قرار دادن فقر عمومی روستایی بیشتر از پروژه‌های بالا به پایین است و پروژه‌های غیرمشارکتی از هدف کاهش فقر روستایی به تدریج دور می‌شوند؛ حتی اگر در ظاهر یا در گام‌های اولیه سریع‌تر از پروژه‌های مشارکتی پیش بروند.

بسحاق و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان ارائه مدلی برای تبیین فقر در مناطق روستایی (مطالعه موردی: استان چهارمحال بختیاری) به بررسی و تبیین فقر در مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری با استفاده از روش پیمایشی و بکارگیری مدل‌سازی معادلات ساختاری پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که مدل مرتبه دوم فقر روستایی تحت تأثیر عامل‌های پنهان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار دارد. در واقع نشان دهنده این موضوع است که عامل‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به خوبی توانسته فقر روستایی را اندازه‌گیری کنند.

هانتسینگر و فورتمن (۱۹۹۰) در مطالعه‌ای نشان دادند که بیش‌تر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر تصمیم افراد در زمینه‌ی مشارکت در فعالیت‌های حفاظتی موثر بوده است، به باور ایشان نه تنها منفعت بلکه عامل‌های اجتماعی، ارزش‌ها و گرایش‌ها از جمله سواد، سن، درآمد، محل سکونت و اندازه‌ی مرتع بر تصمیم دامداران در فعالیت‌های حفاظت از مراتع موثرند.

فقر در یک نگاه کلی زائیده فساد و توزیع نابرابر منابع و فرصت‌ها است که به شکل مفاهیم کلی فقر اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی و فرهنگی و... به طبقات اجتماعی و جامعه عارض می‌شود، حتی نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با نبودن شفافیت، می‌توانند عامل توزیع نابرابر امکانات فردی و اجتماعی و توزیع ناعادلانه منابع و قدرت شوند و در نتیجه فقر گروه‌هایی از طبقات اجتماعی را به دنبال داشته باشند. بنابراین برای مبارزه عملی، ریشه‌ای و ثمربخش با فقر بایستی مقابله با عوامل مختلف ایجادکننده و ابعاد ریشه‌ای این عارضه مد نظر قرار گیرد. ایجاد فرصت‌های برابر، توانمندسازی اصولی فقرا به مفهوم واقعی، نگاه هدفمند به عدالت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در نظام تقسیم‌بندی قدرت و ثروت در جامعه و ارتقاء دانش و آگاهی عمومی از ضرورت‌های مؤثر مقابله با فساد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی در جامعه عدالت محور محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان دریافت که فقرزدایی نمی‌تواند یک نگاه جزئی و سطحی و صرفاً اقتصادی باشد، بلکه دامنه وسیعی از حقوق بشر را در بر می‌گیرد (Shooti, 2010: 1). فقر تنها به فقر مادی و محرومیت از مواهب آن محدود نمی‌شود اگرچه در مقابل فقر مادی فقر فکری نیز مصطلح است، ولی ابعاد فقر فکری نامشخص و نامحدود است با پرداختن به فقر مادی می‌توان فوری چند شاخص درآمد، هزینه، اشتغال، مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان و آموزش و تجهیزات رفاهی را بعنوان مصادیق مثال زد. اصطلاح "فقر" به طور ضمنی به افراد کم درآمد گفته می‌شود اما امروزه دانشمندان در این زمینه این واژه را به عنوان یک مسئله سیاسی بیش از اقتصادی حائز اهمیت دانسته‌اند. در واقع آنان بر این عقیده‌اند که فقرا تنها افراد کم‌درآمد را شامل نمی‌شود ممکن است افرادی که حتی به مدرسه رفته و یا از اشتغال و از درآمد کافی برخوردارند را نیز شامل گردد، در واقع این گونه افراد با توهین

۱ - Gharee Arraei, 2014

۲ - Beshagh eta al, 2015

۳ - Huntsinger, & Fortman, 1990

به قوانین و بی اهمیت بودن به آن منجر به ناکارآمدی و در نهایت فقر سیاسی می‌شوند (Lawrence, 1996: 2). امروزه واژه فقر سیاسی به عنوان یک معضل اساسی در میان کشورهای غربی و آمریکا مطرح شده است. در واقع در این کشورها فقر و مشکلات اجتماعی و سیاسی بسیار مهم‌تر از فقر اقتصادی به نظر می‌رسد. و اینگونه کشورها به دنبال کاهش جرم و جنایت و همچنین رفاه افراد محلی و شهروندان هستند. یک مورد بسیار مهم از فقر سیاسی نیز می‌توان از واژه تبعیض ذکر کرد بر فرض مثال در آفریقای جنوبی علاوه بر مسائل جنسیتی حتی در بعد فضایی نیز با توجه به سیاست‌های استعماری که وجود داشت تبعیض قائل شده تا جایی که حتی تا چند دهه اخیر علاوه بر اینکه وضعیت تحصیل میان سیاه و جنوب بسیار نامتعادل بود در وضعیت زیرساخت‌ها و خدمات رسانی در مناطق روستایی به نسبت مناطق مرفه نیز بسیار نابرابر بوده که منجر به فقر شدید روستایی در آن کشور گشته بود (Evaratt, 2005 : 80).

غلبه بر فقر برای بعضی از کشورها با توجه به ثروت و ابزار و فن و فوننی که در اختیار دارند، امر بسیار ساده‌ای است و در کم‌ترین زمان می‌توانند منطقه خشک و لم‌یزرع را به مکانی با تجهیزات مدرن و کافی تبدیل نمایند. اما عامل یا علت اصلی که مانع از این اقدام می‌گردد، علل سیاسی و یا تبعیض نژادی است. عدم رعایت حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در میان جوامع باعث ایجاد فقری گسترده در میان افراد آن جامعه گردیده و تمرکز ثروت فراوان برای عده قلیلی خواهد شد. در واقع عوامل گوناگونی در ایجاد فقر مشارکت دارند که به طور خلاصه می‌توان این عوامل را این‌گونه برشمرد: پایین بودن درآمد سرانه، محدودیت فرصت شغلی، پایین بودن بازدهی نیروی کار، محدودیت دستیابی به عوامل تولید، رشد سریع جمعیت، توزیع ناعادلانه درآمد، نظام مالیاتی غیرصحيح، فشار تورم، کاهش قدرت خرید فرد و حقوق‌بگیران، این عوامل باعث فاصله زیاد بین فقیر و غنی خواهد شد. یکی دیگر از روش‌های بررسی علل فقر سیاسی، بررسی ویژگی‌های فقر می‌باشد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

(۱) نبود درآمد و دارایی: رشد اقتصادی موجب می‌شود که فقر درآمدی کاهش یابد و از طرفی رکود اقتصادی سبب افزایش فقر درآمدی می‌شود. با ثروتمند شدن یک کشور، وضع فقرای آن کشور بهبود می‌یابد و سازوکار اصلی برای این امر اشتغال با دستمزد بهتر است.

(۲) احساس بی‌زبانی و درماندگی در موسسات دولتی و جامعه: افرادی که دچار فقر مادی هستند به شدت احساس فقدان بیان، قدرت و استقلال می‌کنند و این درماندگی آنان را به خشونت و احساس حقارت در اجتماع می‌کشاند و در واقع فقر از بهره‌گیری از فرصت‌های نوین توسعه منع می‌شوند.

(۳) آسیب‌پذیری نسبت به شوک‌های ناگوار بر اثر ناتوانی در مقابله با آن (Kavousi, Sh, Ghalamzan, 2004: 223). پدیده‌ای که همیشه همراه محرومیت مادی و انسانی می‌باشد، آسیب‌پذیری است که افراد فقیر کرده و یا آنان را در حد فقر نگه می‌دارد. در واقع ریسک‌هایی که افراد فقیر در زندگی خود با آن روبرو هستند از علل فقر است. اما دلیل اصلی فقر آن‌ها ناشی از ناتوانی آنان جهت کاهش یا جبران اثرات ریسک یا تکانه‌هاست. در حقیقت وجود دارایی‌های اندک فیزیکی، فقر را نسبت به این تکانه‌های بحران‌زا، آسیب‌پذیر می‌سازد. کسانی که از دارایی بیشتری برخوردار باشند آن‌را بهتر تحمل می‌کنند. زیرا این بحران‌ها موقتی‌اند. نبود دارایی یک دایره شوم کاهنده تشکل می‌دهد که هرگونه اقدام برای مقابله با تکانه‌ها در کوتاه‌مدت (مانند جلوگیری از حضور کودکان در مدرسه برای اشتغال به کار و کسب درآمد به هنگام بروز بحران) سبب وخیم‌تر شدن محرومیت در درازمدت می‌گردد.

از جمله نظریه در مورد این پژوهش می‌توان به نظریه کارکردی پارسونز در مورد قشر بندی اجتماعی اشاره نمود که می‌توان به گونه‌ای با فقر سیاسی در ارتباط باشد. پارسونز با پیگیری سنت درازمدت تحلیل کارکردی متوجه شد که مهمترین سؤال در جامعه‌شناسی این است که نظم اجتماعی چگونه ممکن می‌شود؟ در تعقیب این سنت تحلیل جامعه‌شناختی پاسخی که یافت، هنجارها و ارزشها بود. هنجارها و ارزشهای یک جامعه که عموماً افراد آنها را از طریق یک فراگرد طولانی و مستمر جامعه‌پذیری درونی می‌کنند، رفتار و تعامل انسان را هدایت می‌کنند. به عبارت دیگر آنچه ما و یا نهادهای ما انجام می‌دهند، عمدتاً به دلیل وجود یک نظام ارزشی مشترک است. پارسونز به تفاوت افراد در قدرت و ثروت معتقد بود، ولی از نظر وی اینها ثانوی هستند. پارسونز برای مشخص کردن جایگاه مردم در نظام قشربندی می‌باید نقشها و وظایف جامعه را از مهمترین به کم اهمیت ترین رتبه بندی می‌کرد که این امر مستلزم در نظر گرفتن نظام ارزشی غالب به صورت خاص بود. بدین منظور ابتدا چهار زیر مجموعه کارکردی

اصلی را در جامعه توصیف می‌کند که با چهار پیش نیاز کارکردی اصلی که لازمه همه جوامع برای بقای آنهاست، در ارتباطند. همه جوامع می‌باید این مشکلات را حل کنند: سازگاری با محیط، دسترسی به هدف، یکپارچه سازی و حفظ الگو. نهادهای اولیه «انتزاعی» که معمولاً تأمین این پیش نیازهای کارکردی را در جامعه برعهده دارند، به ترتیب عبارتند از: اقتصاد، دولت، نظام حقوقی، (و یا گاهی اوقات مذهب) و خانواده، مدرسه و نهادهای فرهنگی. هر یک از این نهادها، مانند اعضای بدن، دارای کارکردی برای سلامت کل بدن (جامعه) هستند. مثلاً وظیفه نهادهای اقتصادی آن است که منابع را از محیط استخراج و محصولات و خدمات لازم را عرضه کنند. وظیفه دولت یا حکومت تعریف هدفها و تعیین مسیر برای رسیدن به هدفهای جمعی است. نهادهای مانند قانون و مذهب به یکپارچگی نظام اجتماعی از طریق قوانین یا معیارهای اخلاقی کمک می‌کنند. بالاخره خانواده و نهادهای آموزشی، از طریق آموزش و جامعه پذیر کردن تک تک افراد جامعه و برآوردن نیازهای آنان به منظور آن که بتواند اعضای مفیدی برای جامعه باشند، این الگو را حفظ می‌کند.

به گفته پارسونز اهمیت همه موارد فوق در درک قشریندی اجتماعی در این دو جنبه نهفته است:

- ۱- وظایف متعدد این نهادهای متفاوت موجب می‌شود که بر ارزشهای متفاوتی تأکید ورزند.
 - ۲- جامعه شناسان در این خصوص که کدامیک از این چهار مجموعه، نهادهای اصلی هستند اختلاف نظر دارند. در جامعه‌ای که یک مجموعه از نهادهای اصلی هستند، نظام ارزشی مشترک بیشتر به سوی ارزشهای مورد نظر این نهادها متمایل خواهد شد. بنابراین افرادی که خود را با ارزشهای مورد نظر این نهاد یا نهادهای اصلی منطبق می‌کنند، منزلت اجتماعی بالاتر و نیز مزایای ثانوی همراه این جایگاه مانند ثروت را کسب خواهند کرد.
 - ۳- مثلاً نظام ارزشی در کشور آمریکا براساس عملکرد در ساختار شغلی سنجیده می‌شود و افرادی که در این ساختار به ایده‌آلهای موفقیت در عملکرد دست یابند، منزلت اجتماعی بالاتر، پیشرفت شغلی و مزایای ثانوی ثروت و درآمد بالا را کسب خواهند کرد. برعکس، در کشوری مانند چین، بر نیل به هدفهای جامعه یا نهادهای سیاسی تأکید می‌شود. ارزشها در این کشور بر اساس قابلیت رهبری و التزام به ایده‌آلهای سیاسی سنجیده می‌شود و مردمی که بیشتر با این ارزشها همخوانی داشته باشند، منزلت اجتماعی بالا، پیشرفت در بوروکراسی سیاسی و ارزشهای ثانوی رفاه و درآمد بالا را کسب خواهند کرد. در مورد جوامعی که در آنها نهادها و ارزشهای مذهبی مورد تأکید قرار می‌گیرند، نیز می‌توان استدلال مشابهی را مطرح کرد.
- پارسونز معتقد است که مهمترین جایگاهها در اجتماع، بیشترین امتیازها را دارند و منزلت اجتماعی اولین امتیاز و رفاه، ثانوی به آن است. آنچه پارسونز انجام داد، مشخص کردن مهمترین جایگاهها در جامعه با توجه به نوع نهاد غالب در آن است (Ghanavat- e Nezhad, 2014: 31).

مشارکت شامل مهیا کردن منابع مردمی محلی و حمایت از داده‌های درونی در داخل برنامه‌هایی برای ایجاد کارائی و تأثیرات موثر است (Low, 1999: 12). مشارکت به معنی درگیر شدن بسیار نزدیک مردم در فراگردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موثر بر زندگی آنان است که از شروط آن، وجود تمایل به تقسیم قدرت و تصمیم‌گیری از جانب نظام سیاسی و حکومت می‌باشد (Yavar, 2001: 10). مشارکت در نواحی روستایی به مفهوم ساماندهی رابطه متقابل انسان روستایی با محیط جغرافیایی با بهره‌وری بهینه در سطوح مختلف تولید کشاورزی می‌باشد. همچنین، مشارکت در مفهوم دقیق توزیع مجدد قدرت اقتصادی و سیاسی به نفع تهیدستان روستایی، که کنار گذاشته شده‌اند، می‌باشد (Al-Ghannami, 1996: 64). توسعه روستایی بهبود شرایط زندگی توده‌های کم‌درآمد ساکن روستا و خودکفا ساختن آنها می‌باشد (Azkia, 1998: 203). مشارکت، مفهومی ذاتی در جوامع بشری است که برای تحکیم آن، نیاز به برنامه‌ریزی از پایین به بالا و ارتباط بین همه مؤلفه‌های موجود در این زمینه وجود دارد (Wang, Xiaojun et al, 2008: 86). آینده‌ای امیدوارکننده، زمانی به وقوع خواهد پیوست که مردم مشتاق باشند در امر توسعه مشارکت کنند و منابع‌شان را در مسیر توسعه جامعه‌شان به کار گیرند. از این رو ضروری است که دولت تلاش کند تا مردم را در همه مراحل هر پروژه پیشنهادی شرکت دهد (Agwu, 2005: 272).

یک موضوع بسیار مهم که در روستا باید به آن توجه نمود و درصدد حل آن برآمد مسئله فقر در روستا است. فقر به صورتهای گوناگون تعریف شده است و مفهوم آن در طی زمان و بر اثر تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تغییر یافته است. فقر

را می‌توان از جهات گوناگون تعریف و تقسیم‌بندی نمود. در تعریف تانسندلر فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیتهای و شرایط و امکانات معمول زندگی توجه شده است. سن آفقر را به صورت محرومیت از قابلیت‌های اساسی در نظر گرفته و بر نسبی بودن مفهوم فقر در مکانها و زمانهای مختلف، تاکید می‌کند. از نظر بانک توسعه آسیا، فقر محرومیت از دارایی‌ها و فرصتهایی است که هر فرد مستحق آنها می‌باشد. بوتو روانتری آبه فقر از منظر فقر مطلق و نسبی توجه نموده و میان این دو تمایز قائل می‌شوند. فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی و فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی، لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است. فقر واقعیتی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی سیاسی است که از دیرباز از بزرگ‌ترین مشکلات انسان بوده است و در حال حاضر نیز جامعه بشری، علی‌رغم تحولات بسیار عظیمی که در زمینه‌های مختلف علوم روی داده است، با این پدیده شوم دست و پنجه نرم می‌کند. فقر، پدیده‌ای فراگیر در جهان بوده و می‌توان آن را نتیجه تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهانی و کشوری دانست. آمار دقیقی از میزان فقرای جهانی در دسترس نمی‌باشد. برآوردهای غیر رسمی بیانگر فقر 20 درصدی جمعیت جهانی بود که بخش زیادی از آنها در مناطق روستایی به سر می‌برند (Sarayloo, 2011: 54). به طور سنتی، اکثر صاحب نظران فقر را تنها، ناکافی بودن درآمد معنا می‌کنند (Hassanzadeh, 2000: 132). برخی آن را بطور خاص میزان کالری پایین تر از حد استاندارد تعریف می‌کنند (Finan et al, 2005; Faugeras et al, 2006; Allen, 2004). عده‌ایی فقر را تأمین غذا، پوشاک و مسکن در زیر سطح حداقل می‌دانند (Srinivasan, 2000: 232) برخی دیگر آنرا ناشی از عوامل اجتماعی و نارسایی‌های آن می‌دانند (Warf, 2006: 119). برخی آن را در نبود قدرت و ابزار عقیده تعریف می‌کنند (Lin & Liu, 2006: 4). در حالیکه فقر به هیچ عنوان واژه‌ای تک بعدی با مفهوم مطلق نیست.

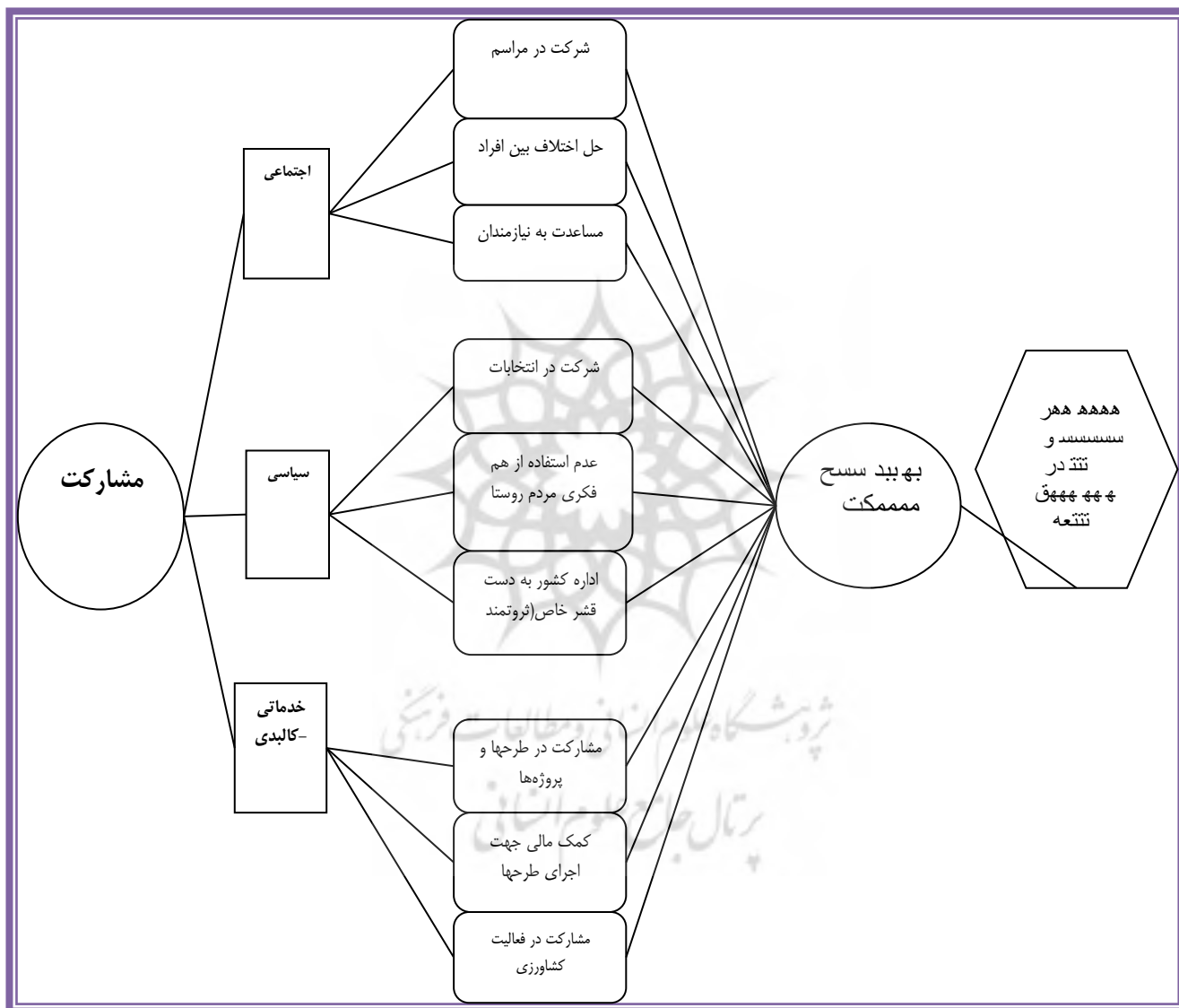
مدت زمان زیادی است که جغرافیای فقر وارد ادبیات جغرافیایی شده است و همواره جغرافیدانان از آن به عنوان یک واقعیت تلخ اجتماعی که آثار و عوارض سوء آن در همه زوایای زندگی فردی و اجتماعی منعکس است، یاد می‌کنند. به عقیده جانسون هدف جغرافیدانان این است که در سراسر جهان با حذف نابرابریهای شدید اجتماعی و اقتصادی، همه خانواده‌ها بتوانند به شغل دائمی، مسکن مناسب، بهداشت و درمان، آموزش و امنیت اجتماعی دست یابند. او معتقد است که هم اکنون بیشتر مردم جهان در فقر و سوء تغذیه به سر می‌برند، از سلامتی کامل بی‌بهره‌اند و زندگی غم‌انگیزی دارند. براین اساس جغرافیدان وظیفه دارد که در بررسی‌های جغرافیایی خود به ریشه‌های این نابرابری‌ها پی ببرد و تفکرات جغرافیایی خود را در جهت حل این مسائل به کار گیرد (Razavi, 1998: 33). فقر تنها ناشی از محرومیت مادی نیست، بلکه به طور عمده پدیده‌ای اجتماعی است که موجب می‌شود اشخاص فقیر از ظرفیت و توانایی خویش درک صحیحی نداشته باشند (Chambers, 2008: 18). در ایران فقر بیشتر مفهومی اقتصادی داشته و کمتر از سایر جنبه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در صورتی که بخواهیم کارایی سیاست گذاری و اجرای برنامه‌های مبارزه با فقر را به نحوه مناسبی پیاده کنیم نیاز به شناخت ابعاد مختلف پدیده‌ی فقر، شاخصها و نماگرهای آن داریم. دلایل توجه روزافزون به رویکردهای مشارکتی توسعه از دهه ۱۹۷۰ به بعد را می‌توان در کاستی‌های موجود در رهیافت‌های به کار رفته در گذشته در زمینه توسعه و پیامدهای منفی آن جست و جو کرد (Lea and Chaudhri, 1983: 22). مشارکت همه جانبه، برای توسعه نواحی روستایی ضروری است، چرا که هر کدام از بخشها به تنهایی منابع ضروری و لازم را برای دستیابی به توسعه ندارند. عدم مشارکت سیاسی فعال و آگاهانه فقیران واقعیتی است که خیلی از تحقیقات مربوط به فقر به آن اشاره نموده اند. هرچقدر سطح مشارکت سیاسی پایین باشد، تاثیرگذاری افراد در نظام سیاسی که می‌تواند بیشترین امکان تحرک اجتماعی را در نظام فراهم سازد، کمتر می‌شود. تحقیقات جدید نشان می‌دهند که اکثر نظام‌های سیاسی به دنبال تأمین منافع گروه‌های ذی‌نفوذ و گروه‌های فشار هستند که بر فعالیتهای سیاسی اجتماعی جامعه تأثیر گذارند. یک عامل موثر دیگر در این زمینه برچسب‌هایی است که به یک گروه اجتماعی از مردم مثل افراد یک نژاد، جنس، مذهب، قومیت،... در جامعه زده می‌شود. افرادی که برچسب فقر را به خاطر تعلق داشتن به این هویت‌های گروهی دریافت می‌کنند، فرصت‌های محدودتری برای ارتقاء و پیشرفت دارند که باید سالها تلاش کنند تا چنین نگرش‌هایی را اصلاح کنند. بسیاری از تلاش‌های گذشته جهت مبارزه با فقر شامل مداخلاتی از خارج بود که

¹ -Townsand

² -Amartiya Kumar Sen

³ -Booth & Rowntree

به موجب آنها خود افراد فقیر به مثابه هدف مد نظر بودند و به عنوان تصمیم گیرندگان یا عاملانی که، در صورت داشتن انگیزه و مهارت‌های مناسب، قادر به بهبود اوضاع خود باشند به آنها نگرسته نمی‌شد. رهیافت مشارکتی معتقد است تنها راه فقر برای غلبه بر مشکلاتشان، شرکت مستقیم در تدوین سیاست‌های اجتماعی، پیشبرد طرح‌ها، اجرای آنها در سطح جامعه و تقسیم منافع حاصل از آنهاست. رهیافت مشارکتی دارای هدف دوگانه‌ی ارتقای میزان رشد و برابری و در عین حال تضمین توسعه فرآیندهای دموکراتیک در میان توده‌های مردم می‌باشد. در دهمه ۱۹۸۰ این رهیافت به عنوان مدل برتر برای تجزیه و تحلیل و مداخله در جنوب آسیا به کار گرفته شد. هم دولت‌ها و هم سازمان‌های غیر دولتی در طرح‌های ضد فقر خود پیش از پیش به این رهیافت روی آورده‌اند (Lea and Chaudhri, 1983: 22).



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

روش پژوهش

نوع تحقیق به صورت کاربردی -توسعه ای است و روش مطالعه اسنادی، تحلیلی و پیمایشی است. جهت تکمیل اطلاعات موجود از منابع دسته اولی چون پرسشنامه استفاده شده است. در روش تحلیلی با توجه به فرضیه ارائه شده به معرفی هر یک از مؤلفه های مورد نظر اقدام شده است. بر این اساس هر مؤلفه با چند معرف به شناسایی میزان مشارکت افراد و نقش آن در توسعه

روستایی می‌پردازد سپس به بررسی مولفه‌های فقر در ابعاد سیاسی و به رابطه بین این دو متغیر مشارکت و فقر سیاسی با استفاده از مدل ضریب همبستگی در نرم‌افزار واحد تحلیل این تحقیق خانوار ساکن در نقاط روستایی دهستان سراوان می‌باشد. متغیرهای مستقل تحقیق عبارتند از: مشارکت (هر یک از ابعاد اجتماعی، سیاسی و خدماتی- کالبدی مشارکت)، نگرش نسبت به مشارکت و متغیر وابسته نیز فقر سیاسی است. جامعه آماری تحقیق کل خانوار روستایی دهستان سراوان است، که بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد روستاهای این بخش ۶ روستا و تعداد خانوار، ۴۲۸۳ خانوار می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه سرپرستان خانوار ساکن در نقاط روستایی دهستان سراوان از جدول مورگان استفاده شد و در نهایت تعداد حجم نمونه سرپرستان، ۳۵۱ پرسشنامه تعیین گردید که جهت نتیجه‌گیری بهتر پرسشنامه‌ها به ۳۷۰ عدد افزایش پیدا کرد. برای تعیین حجم روستاهای نمونه از میان ۶ روستا سهم هر روستا مشخص گردید.

جدول ۱. شاخص‌های مشارکت

بعد سیاسی	بعد اجتماعی	خدماتی و کالبدی	شاخص‌های نگرش به مشارکت
شرکت در مشارکت و تأثیر آن در تعیین سرنوشت	شرکت در مراسم روستایی (عزاداری، عروسی)	مشارکت در طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی (از قبیل ساخت راه، حمام، خانه بهداشت، مسجد و...)	آسان شدن کارها با توجه به انجام مشارکت
عدم وارد بودن روستاییان در کار سیاست و عدم تواناییشان در دخالت آن	حل اختلاف بین افراد روستا	انجام کار داوطلبانه برای رفاه روستاییان	بالا رفتن روحیه همدلی و وفای در روستا
عدم گوش دادن مسئولین به نظرات روستاییان	مساعادت به نیازمندان روستا	اجرای کمک مالی به روستاییان	استفاده بهینه از امکانات مادی و غیر مادی از منابع روستا با توجه به انجام مشارکت
تأثیر گذاری روستاییان بر تصمیمات دولتی	فعالیت در کشاورزی (کاشت، داشت و برداشت)	حضور فعال تر دولت در جهت ارائه امکانات و خدمات با توجه به مشارکت. بالایی روستاییان	
اداره کشور به دست صاحبان قدرت و ثروت			

جدول ۲. نماگرها و شاخص‌های عامل سیاسی فقر روستایی

عامل	شاخص	نماگرها
سیاسی	امنیت	(۱) عدم دسترسی به پاسگاه پلیس
		(۲) نداشتن امنیت عمومی
		(۳) وجود نزاع و کشمکش با دیگران
سیاسی	مشارکت سیاسی	(۴) عدم شرکت در انتخابات شوراهای
		(۵) عدم شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی
		(۶) عدم شرکت در انتخابات ریاست جمهوری
حقوق قومیت‌ها و اقلیت‌ها	حقوق قومیت‌ها و اقلیت‌ها	(۷) عدم پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیون به زبان محلی
		(۸) عدم پوشش مناسب رسانه‌ای (تعداد اندک کانال‌های تلویزیونی، رادیویی)
		(۹) نبود مجلات و پرورشورهای مفید به زبان محلی

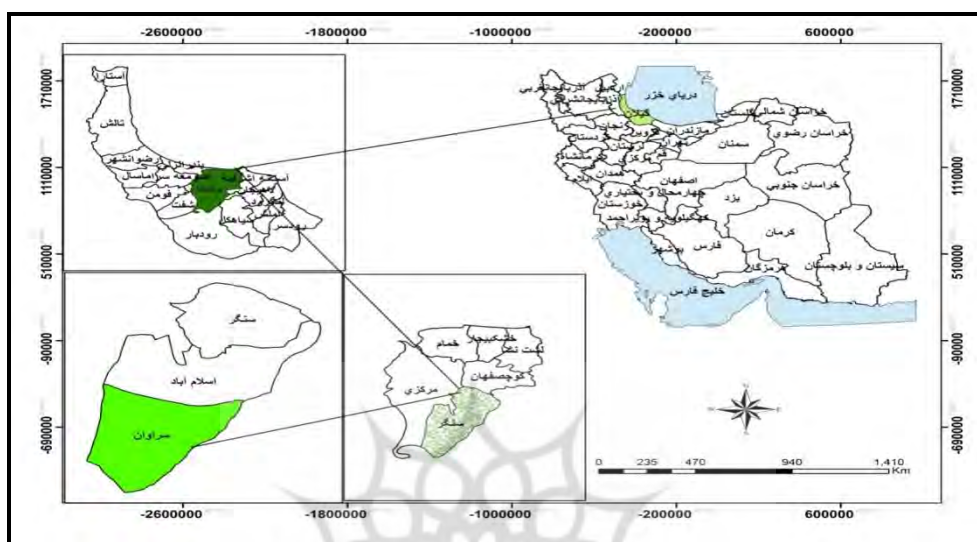
روایی صوری پرسش‌نامه با نظر متخصصان و صاحب‌نظران که در این زمینه فعالیت نموده‌اند تأیید گشت همچنین به منظور سنجش پایایی ابتدا ۳۰ پرسشنامه در سطح دهستان تکمیل گشت، سپس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. مقدار آلفا برای هر یکی از ابعاد مختلف فقر و مشارکت عبارتند از:

جدول ۳. پایایی پرسشنامه

مقدار آلفا	ابعاد	مقدار آلفا	ابعاد
۰/۸۶	بعد سیاسی فقر	۰/۸۹	بعد خدماتی-کالبدی مشارکت
۰/۷۳	بعد سیاسی مشارکت	۰/۷۹	نگرش نسبت به مشارکت
	بعد اجتماعی مشارکت	۰/۸۰	

قلمرو جغرافیایی پژوهش

دهستان سراوان شهرستان رشت که در استان گیلان واقع شده است که از طرف غرب به دهستان لاکان و از شمال به دهستان سنگر و از جانب جنوب و جنوب شرقی به شهرستان رودبار منتهی می‌شود. دهستان سراوان دارای هفت روستا، به نام های قاضیان، سراوان، جوکول بندان، کچا، گلسرک، موشنگا و امام زاده هاشم می‌باشد این دهستان ۹۸/۶۹ کیلومتر مربع وسعت دارد و در موقعیت جلگه ای و کوهستانی واقع شده است.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

وضعیت خانوار: این دهستان دارای ۷ آبادی با ۱۴۰۴۱ نفر جمعیت و تعداد ۴۲۸۳ خانوار می‌باشد. طبق جدول ۳ بیشترین بعد خانوار مربوط به روستای کچا ۳,۴ می‌باشد در حالی که کم‌ترین بعد خانوار مربوط به روستای جوکول بندان است. اما به طور متوسط در هر خانوار متوسط ۳ الی ۴ نفر هستند.

طبق جدول شماره ۳ وضعیت سواد خانوار را در سطح نمونه مورد نظر نشان می‌دهد طبق برآوردهای صورت گرفته بیشترین فراوانی مربوط به افراد خانوار با درجه سواد سیکل (۳۲/۷ درصد) می‌باشند. و کم‌ترین درصد هم مربوط به افراد دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم (۴/۹ درصد) با تعداد ۱۸ نفر هستند. از این میان حدود ۳۰/۵ درصد افراد بی سواد و ۲۰ درصد دیگر دارای مدرک تحصیلی دیپلم و ۱۱/۹ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی (لیسانس و فوق لیسانس) هستند. آموزش یکی مهم‌ترین موضوعاتی است که باید به آن توجه شود. بیشترین مراکز آموزشی این دهستان در روستای امامزاده هاشم قرار دارد و پس از آن روستاهای قاضیان و سراوان با ۴ مرکز آموزشی در رتبه دوم و سایر روستاها نیز دارای ۱ مرکز آموزشی که در سطح ابتدایی است در رتبه سوم قرار گرفته‌اند. روستای موشنگا نیز به دلیل اینکه کم‌ترین جمعیت دارد برای استفاده از مراکز آموزشی به سایر روستاها می‌روند.

جدول ۴. وضعیت سواد خانوار

فراوانی	درصد	درصد ارزش ها	فراوانی تجمعی	
۱۱۳	۳۰/۵	۳۰/۵	۳۰/۵	بیسواد
۱۲۱	۳۲/۷	۳۲/۷	۶۳/۲	سیکل
۷۴	۲۰/۰	۲۰/۰	۸۳/۲	دیپلم
۱۸	۴/۹	۴/۹	۸۸/۱	فوق دیپلم
۴۴	۱۱/۹	۱۱/۹	۱۰۰	تحصیلات دانشگاهی
۳۷۰	۱۰۰	۱۰۰		جمع کل

کمیته امداد یکی از سازمان‌هایی است که تعداد افراد نیازمند بخصوص زنان سرپرست خانوار را تحت پوشش قرار می‌دهد تا با فراهم آوردن یکسری از امکانات رفاه آنان را فراهم سازد. بر اساس جدول شماره ۴ خانوار تحت پوشش کمیته امداد را در این دهستان مشخص می‌سازد. طبق بررسی‌های میدانی بیشترین افراد تحت پوشش این سازمان در دروستای موشنگا با ۳۱/۸۷ درصد و پس از آن روستای کچا با ۲۸/۰۷ درصد قرار دارند و کم‌ترین خانوار تحت پوشش در روستای سراوان با ۳/۶ درصد هستند.

جدول ۵. درصد خانوار تحت پوشش کمیته امداد ۱۳۹۴

نام آبادی	کل خانوار	کل خانوار تحت پوشش	درصد خانوار تحت پوشش کمیته امداد
قاضیان	۹۶۶	۴۲	۴/۳۵
سراوان	۱۸۳۷	۶۶	۳/۵۹
جوکول بندان	۳۶	۳	۸/۳۳
گلسرک	۵۰۹	۲۳	۴/۵۲
کچا	۱۱۴	۳۲	۲۸/۰۷
موشنگا	۹۱	۲۹	۳۱/۸۷
امامزاده هاشم	۷۳۰	۵۱	۶/۹۹

فرضیه تحقیق

بین مشارکت و فقر سیاسی رابطه وجود دارد.

طبق بررسی‌های صورت گرفته در جداول زیر مراحل محاسبات ضریب همبستگی بین هر یک از متغیرهای مستقل و متغیر وابسته که فقر سیاسی می‌باشد در نرم افزار SPSS صورت پذیرفته است. بررسی آمار توصیفی میانگین و انحراف معیار در شاخص‌های پیش بین ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشارکت، نگرش به مشارکت می‌پردازد. همانطور هم که مشخص است تعداد نمونه ۳۷۰ خانوار است. بر این اساس فرضیه تحقیق عبارت است از:

$$\begin{cases} H_0: P \leq 0 \\ H_1: P > 0 \end{cases}$$

همبستگی معنادار وجود دارد.

ضریب همبستگی پیرسون مبتنی بر کوواریانس دو متغیر و انحراف معیار آن‌ها تنظیم شده است. فرمول مورد استفاده برای این ضریب از قرار زیر است.

$$r = \frac{\sum xy - nxy}{\sqrt{\sum x^2 - nx^2} \sqrt{\sum y^2 - y^2}}$$

این ضریب همبستگی روش پارامتری است و برای داده‌هایی با توزیع نرمال را نشان می‌دهد. مفهوم معنا داری در همبستگی این است که آیا همبستگی به دست آمده بین دو متغیر را می‌توان شانس و تصادفی دانست یا واقعا نشان می‌دهد بین دو متغیر همبستگی وجود دارد. این موضوع که عدد به دست آمده معنی دار است یا نه از خود عدد به دست آمده با اهمیت‌تر است. شدت میزان همبستگی نیز از قرار زیر است:

خیلی قوی = بزرگتر از ۰/۹

قوی = ۰/۹ تا ۰/۷

نسبتاً قوی = ۰/۷-۰/۵

جدول ۶. ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

شیوه نگرش به مشارکت	مشارکت کالبدی	مشارکت اجتماعی	مشارکت سیاسی	فقر سیاسی	ضریب همبستگی پیرسون	مشارکت سیاسی
-۰/۷۱۸**	۰/۸۱۹**	-۰/۹۲۸**	-۰/۶۳۴**	۱	ضریب همبستگی پیرسون	فقر سیاسی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		سطح معناداری	
۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	تعداد	
۰/۵۱۱**	-۰/۴۶۸**	۰/۶۸۰**	۱	-۰/۶۳۴**	ضریب همبستگی پیرسون	مشارکت سیاسی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	تعداد	
۰/۷۲۷**	-۰/۷۶۱**	۱	۰/۶۸۰**	-۰/۹۲۸**	ضریب همبستگی پیرسون	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	تعداد	
-۰/۵۵۹**	۱	-۰/۴۶۸**	۰/۴۶۸**	۰/۸۱۹**	ضریب همبستگی پیرسون	مشارکت کالبدی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	تعداد	
۱	-۰/۵۵۹**	۰/۷۲۷**	۰/۵۱۱**	-۰/۷۱۸**	ضریب همبستگی پیرسون	شیوه نگرش به مشارکت
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	تعداد	

جدول شماره ۵ از میزان همبستگی میان فقر سیاسی (متغیر وابسته) و هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق (شیوه اجتماعی مشارکت، مشارکت سیاسی، مشارکت کالبدی و شیوه نگرش افراد به مشارکت) را نشان می‌دهد. برای تفسیر میزان همبستگی میان فقر سیاسی و مشارکت سیاسی با توجه به سطح معنی داری ۰/۰۰۰ با ۹۵ درصد اطمینان رابطه معناداری وجود دارد. از آنجایی که میزان ضریب همبستگی پیرسون -۰/۶۳۴- بدست آمده نشان دهنده همبستگی منفی در این دو متغیر است با توجه به این هر چقدر مشارکت سیاسی بیشتر باشد فقر سیاسی کمتر می‌شود. در رابطه بین فقر سیاسی و مشارکت اجتماعی با سطح ۹۵ درصد اطمینان رابطه معنادار را بین این دو متغیر نشان می‌دهد و درست مانند متغیر قبل هر چقدر مشارکت اجتماعی بیشتر باشد فقر سیاسی کمتر می‌شود. برای تفسیر میزان همبستگی میان فقر سیاسی و مشارکت کالبدی در واقع با توجه به جدول زیر نمایانگر همبستگی مثبت می‌باشد و می‌توان گفت با افزایش یا کاهش مشارکت کالبدی فقر سیاسی نیز افزایش یا کاهش می‌یابد. در مورد وضعیت فقر سیاسی و شیوه نگرش به مشارکت درست شبیه به ۲ متغیر اول همبستگی منفی وجود دارد و هر چقدر که شیوه نگرش به مشارکت بهبود یابد فقر سیاسی به همان میزان کمتر می‌شود. میزان ضریب همبستگی بدست آمده نیز نشانگر وجود رابطه خیلی قوی بین فقر سیاسی و مشارکت اجتماعی (۰/۹۲۸) و رابطه قوی بین فقر سیاسی و مشارکت کالبدی (۰/۸۱۹) و شیوه نگرش به مشارکت (۰/۷۱۸) و رابطه نسبتاً قوی فی مابین فقر سیاسی و مشارکت سیاسی (۰/۶۳۴) است. با توجه به این رابطه‌ها نهادهای سیاسی- اداری، شامل سیاست‌ها، ساختارها و فرآیندهای رسمی و غیررسمی، نقش اساسی در پیاده‌سازی تلاش‌های کاهش فقر دارند. یک رابطه بسیار مهمی که در رابطه با فقر سیاسی باید به آن توجه شود مشارکت، به عنوان فرآیندی که مردم از طریق آن در توسعه و تصمیم‌ها و منابعی که بر زندگی آنها موثر است سهیم می‌شوند و آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهند. در این روستا نیز با توجه افزایش مشارکت افراد در مسائل و امور روستاها نتیجه بر این اساس که فقر سیاسی کاهش می‌یابد به دست آمده است.

نتیجه گیری

تحقق اهداف توسعه در مناطق روستایی به میزان مشارکت روستائیان بستگی دارد. در واقع هرچه میزان مشارکت بالاتر باشد زمینه های تحقق اهداف توسعه روستایی بیشتر فراهم می گردد. عوامل متعددی در میزان مشارکت روستائیان نقش دارد. توانایی ذهنی، مالی و کارجمعی در این بین نقش مهمی دارد. عواملی می تواند در ناتوانی و ضعف مشارکت روستائیان اثرگذار باشد. فقر در ابعاد مختلف یکی از مهمترین دلایل ناتوانی مشارکت در نواحی روستایی قلمداد می گردد. امروزه تعریف فقر از فقر درآمدی فراتر رفته و مقولاتی همچون عدم دسترسی به آموزش و بهداشت، فرصت های برابر، محرومیت از قابلیت های فردی و اجتماعی از جمله عدم برخورداری از آزادی های سیاسی و اجتماعی، نبود امکان برخورداری از مشارکت در نهادهای اجتماعی و نقض حقوق مدنی گسترش یافته است. مشارکت در نواحی روستایی به مفهوم سامان دهی رابطه متقابل انسان روستایی با محیط جغرافیایی یا بهره وری بهینه در سطوح مختلف تولید کشاورزی است. این امر مهم در گذشته از طریق نظام های همکاری گروهی در زمینه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و تولید کشاورزی انجام گرفته است. امروزه نیز برای دستیابی به فرایند توسعه درونزا، متکی به خود و پایدار روستایی، بازنگری در خصوص سازمان دهی همکاری در نواحی روستایی که ریشه در فرهنگ جغرافیایی آن دارد اجتناب ناپذیر است. اگرچه موانع بسیار زیادی در سر راه تحقق مشارکت افراد روستایی در سطح ملی وجود دارد اما باید به گونه ای اعتماد این افراد را جلب نموده تا بتوان در جهت پیشبرد اهداف اقدام نمود. از جمله این مشکلات که در این کار نیز وجود داشت می توان به مواردی چون بی اعتمادی روستائیان به دولت، عدم تمایل جوانان روستایی به ماندن در روستاها و تمایل زیاد به مهاجرت به شهر، عدم آگاهی روستائیان از برنامه های آموزشی و مشارکتی در روستا، تقدیرگرایی و سپردن امور به دست سرنوشت بویژه در بین نسل کهنسال اشاره کرد. پژوهش حاضر را می توان با مقاله قرنی آرائی تا حدودی هم سو دانست. در این مقاله با عنوان بررسی نقش برنامه ریزی مشارکتی در کاهش فقر روستایی به روش کیفی به بررسی نقش مشارکت در کاهش فقر روستایی پرداخته است. طبق نتایجی که بدست آمد نشان داد که پایداری، اثربخشی و پوشش پروژه های مشارکتی در هدف قرار دادن فقر عمومی روستایی بیشتر از پروژه های بالا به پایین است و پروژه های غیرمشارکتی از هدف کاهش فقر روستایی به تدریج دور می شوند؛ حتی اگر در ظاهر یا در گام های اولیه سریع تر از پروژه های مشارکتی پیش بروند. در واقع در این پژوهش به این نتیجه رسیده اند که به اعتراف افراد محلی تا زمانی که روستائیان، در امور توسعه ای روستا مشارکت فکری، مالی یا جسمی نداشته باشند، نمی توان از آن ها انتظار داشت که در نگهداری آن از خودشان تحرکی نشان دهند و جهت توسعه منطقه گام بردارند. در این پژوهش که بر خلاف پژوهش قرنی آرائی به صورت کاملا کمی محاسبه گشته تا حدودی به این موضوع می پردازد که با افزایش مشارکت در میان روستائیان شاخص های مشارکت، شیوه عمل به مشارکت و نحوه نگرش نسبت به مشارکت در بعد سیاسی فقر کاهش پیدا می کند و سطح زندگی در روستا مورد قبول واقع می شود. با افزایش مشارکت در سطح روستاهای این دهستان فقر سیاسی کاهش پیدا می کند.

References

- Agwu, A.E., 2005, Rural Peoples Attitude Towards Participation in Development Project, A study of NGWO community in Enugu State, Nigeria, Journal of Rural Development, Vol. 24, No. 2, Aaphril-June.
- Al-Ghannami, Um .R (1996), Crisis of Rural Poverty, Can Participation Eliminate It ? Translated by Nasser Oktai, Journal of Rural and Development, No (In Persian).
- Allen, P. (2004). *Together at the table: Sustainability and sustenance in the American agro food system*. The Pennsylvania State University, USA.
- Azkiya, M, Ghafari, Gh. R. (2005). *Sociology of Development*, Tehran, Kayhan Publications (In Persian).
- Azkiya, M. (1998). *Introduction to the Sociology of Rural Development*, Tehran, Information publication (In Persian).
- Beshaq, M. R, Taghdisi, Taghvai, A. (2015). A Model for Explaining Poverty in Rural Areas (Case Study: Chaharmahal va Bakhtiari Province), Journal of Rural Research and Planning, Vol. 4, No. 3 (In Persian).
- Chambers, J and Blackburn, W (1996): *The Scope for Effective Local Participation in the Economic Development and Planning of Rural Areas and Regions*, Washington, U.S.A.

- Chambers, R. (2008). Rural Development, Prioritizing the Rural Poor (Mustafa Azkiya), Tehran, Tehran University Press(In Persian).
- Chambers, R., 1997, Rural Development and Prioritizing the Poor, Translator: Mostafa Azkia, First Edition, Tehran University Publications.
- Ebrahimzadeh, E. (1998). Participatory Management of Islamic Councils and Rural Management System in Iran, Research Quarterly, Volume II(In Persian).
- Evratt, D. (2005). The politics of Poverty, Bangladesh Journal of Sociology, Vol. 2. No1.
- Faugeras P., Hoummada A., & Klapisch, R. (2006). *Sharing knowledge across the Mediterranean area*. IOS Press, Amsterdam, Netherland.
- Finan, F., Sadoulet, E., & De Janvry, A. (2005). Measuring the poverty reduction potential of land in rural Mexico. *Journal of Development Economics*, 77(1), 27-51.
- Ghanavat-e Nezhad, K. (2014). Inequality and Poverty from a Sociological Perspective, Classroom Leaflet, Doctor of Regions, Social Stratification Lesson(In Persian).
- Gharee Arraei, B. (2014). Investigating the Role of Participatory Planning in Rural Poverty Reduction by a Qualitative Method Case Study: Village of Lessor, Rural Research, Volume 5, Number 2(In Persian).
- Hamed Moghaddam, A. (1991). Participation and Rural Development, Proceedings of the Sociology of Development Conference, Tehran, Khome Publications(In Persian).
- Hassanzadeh, A. (2000). Investigating Factors Affecting Poverty in Iran Case Study, Iranian Journal of Economic Research Volume 2, Number 4 and 5(In Persian).
- Httt sigrrr, .. ddd oort. ,, PPR(99)) . Clliforni''s rr ivtt ely wddd okk wllll ssss : Owrrr ,, use and management. *Journal of range Management*, 43(2), 147-152.
- Jomehpour, M. (1994). Analysis of the Participation Approach of Traditional Collective Production Organizations in Optimal Utilization of Water Resources, Rural Development Soil, *Journal of Geographical Research*, No. 35(In Persian).
- Kauteri, H. (2000). Partnership and Development, translation by Hadi Ghobrai and Davood Tabaei, Tehran, Roshan Publications
- Kavousi, Sh, Ghalamz Niko, K. (2004). Poverty, Income Distribution and Consumer Behavior in Guilan Province, Rasht, Guilan Province Management and Planning Organization(In Persian).
- Lawrence, M. (1996). POVERTY AND POLITICAL THEORY, DEPARTMENT OF POLITICS, NEW YORK UNIVERSITY, Annual Meeting of the American Political Science Association San Francisco Hilton and Towers, August 29-September 1.
- Lea, D.A. and Chauanri, D.P., 1983, *The Nature, Problems and Approaches to Rural Development*, Rural Development and The State, Cambridge University Press, Cambridge.
- Lin, J. Y., & Liu, P. (2006). *Economic development strategy, openness and rural poverty: A framework and China's experiences* (No. 2006/43). Research Paper, UNU-WIDER, United Nations University (UNU).
- Lowe, P. et al, 2005, Participation in Rural Development, Center for Rural Economy, Official Publications of the Eropen, Loxamborg.
- www.e & ll .. 99999P PPrtciaatinn in rrr ll dvll mmttt nn nrrer for rrr al emmmmm
- Misra, Supriti and Damodar Suar, 2005, Development and Partnership, *Journal of Rural Development*, Vol. 24, No.4, Oct-Des.
- Mohammadi, M. (2001). Geographical Factors Affecting the Rural Youth Participation in Development Planning: A Case Study of Kerman City, MA in Geography and Rural Planning, Tarbiat Modares University (In Persian).
- Mohseni Tabrizi, A. (1998). Investigating Ways to Enhance Public Participation in Sustainable Agricultural Development, Tehran: Deputy of Promotion and Public Participation of Ministry of Construction Jihad(In Persian).

- Motiei Langroodi, S. H, Sakhai, F. (2009). Public Participation and Rural Development in the Selgi Village of Nahavand County, Human Geography Research, No. 70 (In Persian)
- Nadcar, N. and Franklin, D.(2003). Whats up? The newsletter of the international canopy network, Vol: 9, No:2.
- Oakley, P, Marsden, D. (1991). Rural Development Participation Approaches, Translated by Mansour Mahmudenza, Rural Research and Research Center Publications, Tehran(In Persian)
- Papeli Yazdi, M. H and Ebrahimi, A. (2002). Rural Development Theories, Tehran, Khome Publications(In Persian).
- Raisi Dana, F. (2005). Measuring the Indicator and Dynamics of Poverty in Iran, Social Welfare Quarterly, Quarterly, No. 17(In Persian).
- Razavi, S.H. (1998). Rural Poverty, Development, Volume I, Concepts, Approaches and Indicators Rural Issues Research and Development Center, Rural and Development Publications Series, Tehran (In Persian).
- Razvani, M.R. (2011). Rural Development Planning in Iran, Fourth Edition, Tehran, Ghooms Publishing (In Persian).
- Sadiq Sarvestani, R. (2010). Investigating the Relationship between Participation in Neighborhood Relationships and Feelings of Security in Mashhad Neighborhoods, Law Enforcement Knowledge, Vol. 12, No. 2(In Persian).
- Sarayloo, S, Mehrjardi, M. R, Khaledi, K. (2011). The Impact of Agricultural Sector Research Expenditures on Iranian Rural Poverty, Rural and Development Research, Volume 14, Number 2(In Persian).
- Seydai, S. E, Dehghani, A. (2009). The Role of Public Participation in Rural Development: Emphasizing on Traditional and New Participation Case Study: Central District of Nourabad Mamasani, Applied Sociology, Twenty-first Year, No. 37(In Persian).
- Taleb, M, Mirzaei, H, Naderi, A. (2012). Assessing the Role of Participation in Rural Development Plans (Case Study: Rural Integration Plans), Rural Development, Volume 4, Number 1.
- Shawati, Tawhid (2010), Poverty and Poverty Reduction, Web site: <http://shouti.blogfa.com>.
- Sheikh Hassani, Gh, Mehman Doust, F. (2010),. The Role of Rural Social and Economic Participation in Rural Development Plans Case Study: Nisa Village, Journal of Land Geography, Seventh Year, No. 28(In Persian).
- Srinivasan, T. N. (2000). Poverty and under nutrition in South Asia, Food Policy. 25(3), 231-378.
- Tavakoli, J. (2004). Rural Poverty and Environmental Impairment in Developing Countries, Journal of Rural and Development, No. 1(In Persian).
- Wang, Xiaojun and Zhenrong Yu, 2008, Steve Cinderdy, John Forrester, Vol. 28, April.
- Warf, B. (2006). *Encyclopedia of human geography*. Sage Publication, USA.
- Yavar, B. (2001). Participatory Urbanization and the Position of People's Participation in the Iranian City Facts, Aims, Strategies, Master's Degree in Urban Planning, Faculty of Arts and Urban Planning, Iran University of Science and Technology (In Persian).

How to cite this article:

Yasouri, M. & Emami, S.F (2019). Analysis of Relationship between Rural Participation and Poverty (Case Study: Villages of Saravan District, Rasht County). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 14(3), 567-583. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_669616_en.html

Analysis of Relationship between Rural Participation and Poverty (Case Study: Villages of Saravan District, Rasht County)

Majid Yasouri*

Professor, Dep. of Geography and Rural Planning, University of Guilan, Rasht, Iran

Seyedeh Fatemeh Emami

Ph.D. Candidate in Geography and Rural Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 02 January 2017

Accepted: 08 July 2019

Introduction

Human societies have gone through many ups and downs in their pursuit of growth and excellence, and in this field, the main aspiration of providing favorable economic, social, political, and so on. They have been members of the community. Basically, one of the most important issues for countries in different periods is to look at ways of improvement and overall development of rural areas, and therefore rural development as one of the subdivisions of development, but also the most important one. It is a multidimensional process that aims to improve, improve the quality of life of the poor and vulnerable sections of the rural community. In addition, "people's participation" is a fundamental prerequisite for action that forms part of the operational aspect of development. Development theory, with regard to purpose and content, emphasizes the importance of participation at all levels, from the crucial stage of identifying needs to the final stage of evaluating and implementing the program, as well as the intermediate stages of decision-making regarding goal setting, resource utilization and Operations management indicates.

Methodology

The type of research is applied-developmental and the method is documentary, analytical and survey study. In order to complete the existing information, first class resources such as questionnaire were used. In the analytical method according to the presented hypothesis each of the components is introduced. Accordingly, each component identifies the extent of individual participation and its role in rural development with a number of indicators, then examines the components of poverty in the political dimension and the relationship between these two variables of participation and political poverty using the correlation coefficient model. The software for the analysis of this research is households living in rural areas of Saravan. The independent variables of the research are: participation (each of the social, political and service-physical dimensions of participation), attitude towards participation and the dependent variable is also political poverty. The statistical population of the study is the total rural households of Saravan, which according to the results of the 2011 census has 6 villages and 4283 households. Morgan table was used to determine the sample size of household heads living in rural areas of Saravan. Finally, 351 questionnaires were selected which increased to 370 for better results.

Result and Discussion

There is a meaningful relationship between 95% and 95% confidence level for interpreting the degree of correlation between political poverty and political participation. Since the Pearson correlation coefficient of -0.634 indicates a negative correlation between these two variables, the greater the political participation, the less political poverty. There is a significant relationship between the two variables in the relationship between political poverty and social

* Corresponding Author:
Email: yasoori@um.ac.ir

participation with 95% confidence and just as the previous variable, the greater the social participation, the less political poverty. To interpret the degree of correlation between political poverty and physical participation is actually a positive correlation with the table below, and can be said to increase or decrease as physical poverty increases or decreases. There is a negative correlation between the status of political poverty and the attitude of participation as well as the first two variables, and the less the attitude of participation improves as political poverty is reduced. The coefficient of correlation also indicates a very strong relationship between political poverty and social participation (0.928) and a strong relationship between political poverty and physical participation (0.819) and attitude to participation (0.718) and a relatively strong relationship. Among political poverty and political participation (0.634). Given these relationships, political-administrative institutions, including formal and informal policies, structures, processes, and processes, have a key role to play in implementing poverty reduction efforts. A very important relationship that should be addressed in relation to political poverty is participation, as a process by which people contribute and influence the development and decisions and resources that affect their lives. In this village, too, given the increased participation of people in rural affairs, the result is that political poverty is reduced.

Conclusion

Today, the definition of poverty goes beyond income poverty and issues such as lack of access to education and health, equal opportunities, deprivation of personal and social capabilities, such as lack of political and social freedoms, lack of participation in institutions. Social and civil rights violations have spread. Participation in rural areas means organizing the interaction of the rural man with the geographical environment or optimal productivity at different levels of agricultural production. This has been done in the past through collective cooperation systems in various social, economic, and agricultural production areas. Today, in order to achieve the process of endogenous, self-reliant and sustainable rural development, a revision of the organization of cooperation in rural areas rooted in its geographical culture is inevitable. Although there are many obstacles to the realization of the participation of rural people at the national level, they must be trusted in order to move forward with the goals. These problems include the lack of confidence of the villagers in the government, the unwillingness of rural youth to stay in the countryside and the high willingness to migrate to the city, the lack of awareness of rural education and participation programs. In the village, fate and fate are especially pointed out among the older generation. The present study can be considered to be somewhat consistent with the Quarterly Paper. In this paper, the role of participation planning in rural poverty reduction is studied qualitatively.

Keywords: Rural participation, Poverty, Saravan village, Guilan province, Multiple regression